



نقش عرف و عادت در پیش‌گیری از جرائم در ایل بختیاری

بهزاد کریمی^۱

هرمز اسدی کوه باد^۲

چکیده

در گذشته که خبری از قانون و چهارچوب‌های دقیق برای مجازات مجرمان نبود، هر گروه و قومی با توجه به فرهنگ خود مجازاتی را تنظیم می‌کرد تا فرد خاطی را به سزای عملش برساند. بین اقوام ایرانی هم‌چنین فرهنگی وجود داشت. در بعضی مناطق، با وجود اینکه دیگر کشور قوانین مشخصی برای مجازات افراد دارد، اقوام هم‌چنان از قوانین نانوشته خودشان پیروی می‌کنند. در بعضی نقاط ایران، ماجرا به اندازه‌ای جدی است که حتی پلیس هم نمی‌تواند دخالت کند. در این بین ایل بختیاری از جمله ایلات بزرگی است که هم‌چنان در برخی موارد معضلات خود را با رسوم و عرف و عادت حل و فصل می‌نماید. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی عرف و عادت در پیش‌گیری از جرائم در ایل بختیاری است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد؛ در ایلات من جمله ایل بختیاری با وقوع قتل، مردم به دو گروه بزه کار و بزه دیده تقسیم می‌شوند. پیامد این شکاف در جامعه وقوع و استمرار جرایم مختلف توسط این دو گروه علیه یکدیگر است. در چنین شرایطی عرف و عادت می‌تواند باعث پیش‌گیری از جرائم گردد و منازعات را خاتمه دهد.

واژگان کلیدی: عرف، عادت، خون بس، ریش سفیدی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز، رامهرمز، ایران: Mr.behzad.karimi۱۳۴۶@gmail.com

^۲ دانشیار گروه حقوق، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران: (نویسنده مسئول) asadi.koohbad@gmail.com



۱- مقدمه

اقوام سرزمین ایران، سوای از وجوه مشترک فرهنگی و ملی، دارای آداب و رسوم متفاوتی هستند. اقوام در درون خود، متناسب با بافت اجتماعی، فرهنگی و شیوه زیست خود، سنت‌های ویژه‌ای را برای تعامل و ارتباط با یکدیگر دارند. نمونه‌های بارز این سنت‌های قومی در اعیاد، مراسم بومی و دینی، اختلاف‌ها، پیوندها و صلح و سازش، نمایان شده و وجه عینی می‌یابند.

از دیگر سو با بررسی آمار جرایم در مناطق مختلف می‌توان به این حقیقت پی برد که جرم با میزان متفاوتی، همواره در حال وقوع است. از این رو، در گفتمان بسیاری از جرم‌شناسان رسالت جرم‌شناسی کاهش نرخ جرم معرفی می‌شود؛ نه لزوماً حذف کامل آن. فرآیند کاهش نرخ جرم با توسل به راهکارهای مختلفی صورت می‌گیرد. در اتخاذ هر شیوه و تدبیری باید یک اصل کلی را در نظر داشت و آن همه جانبه نگر بودن و دقت در ساختار جامعه، فرهنگ، ویژگی‌های شخصیتی افراد و ... است.

بنابراین، آنچه بیشتر مهم است چگونگی پاسخ به جرم به عنوان واقعیتی اجتماعی و تلاش در کاهش نرخ جرم است. این پاسخ معمولاً توسط قوای حاکم و به شکل مجازات اجرا می‌شود.

مجازات نیز اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که بازدارندگی و پیش‌گیری از جرم از مهم‌ترین آنهاست. با این همه، تجربه نشان داده است که صرف اعمال مجازات بدون توجه به نیازهای مردم نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. به ویژه اگر آنها دارای اعتقادات خاص خود باشند، زیرا همین اعتقادات زیربنا و پایه گذار ارزش‌های حاکم بر آنهاست. پژوهش حاضر نیز بر آن است تا به بررسی عرف و عادت و اثر آن یعنی پیش‌گیری از جرم در اسلالت بختیاری بپردازد.

۲- پیشینه پژوهش

سلطان پور (۱۹۳۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه و بررسی نهادهای کیفری سنتی ایرانی در قوم بختیاری» آورده است: مجازات کیفری سنتی ایرانی در قوم بختیاری از جمله خون بس، خون و چوب، سوگند، خون و کالات و تقاص هستند. با توجه به اینکه منشأ این نهادها عرف و ساختار جامعه همگرای بختیاری است و به دلیل آن که هنوز شاکله اصلی این جامعه هم‌بسته به قوت خود باقی است، به نظر می‌رسد که احیاء و اصلاح هر کدام از این نهادها بر اساس نیاز جامعه می‌تواند گام مؤثری در راستای اهداف عدالت‌ترمیمی باشد.

ارجمندی و نوروزی (۱۹۱۳) در پژوهشی با عنوان «حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری» شهرستان ایذه: رسم "خون بری" یا "خون بس" آورده‌اند: علی‌رغم وجود تشکیلات حقوقی و قضایی مدرن، بسیاری از خانواده‌های جامعه عشایری شهرستان ایذه ترجیح می‌دهند منازعات ناشی از قتل را از طریق رسم خون بس فیصله دهند.

۳- ایل بختیاری و تاریخچه آن

بختیاری، از گروه‌های ایلی کوچنده و لر زبان جنوب غربی ایران که اکنون بخش بزرگی از خانوارهای آن در نقاط بیلاقی و قشلاقی یکجانشین شده‌اند. براساس آمار ۱۳۷۷ شمسی، جمعیت کوچنده ایل ۱۸۳/۱۷۴ نفر برابر با ۲۷/۴۹۲ خانوار بوده است.



طوایف بختیاری شامل مجموعه‌ای از طایفه‌های ایل بختیاری است که در بخش‌های جنوب غربی، غرب و تا حدودی، جنوب ایران، زندگی می‌کنند. (ضیغم الدوله، ۱۳۶۵، ص ۱۹۷) از نظر تقسیمات استانی، طایفه‌های ایل بختیاری، در استان‌های چهارمحال و بختیاری، شمال خوزستان، جنوب و جنوب شرقی لرستان، جنوب غربی و غرب اصفهان، شمال کهگیلویه و بویراحمد و بخش‌های کوچکی از مرکزی و ایلام پراکنده می‌باشند. (همان) ایل بختیاری به گویش بختیاری که یکی از گویش‌های زبان لری است، تکلم می‌کنند. (کریمی، ۱۳۶۸: ۱۹)

ایل بختیاری دارای تقسیمات خاص طایفه‌ای است، که پیشینه آن به اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی بازمی‌گردد و به عنوان نمودار اجتماعی ایل بختیاری شناخته می‌شود و بر پایه آن، طوایف بختیاری به دو شاخه هفت‌لنگ و چهارلنگ تقسیم می‌شوند. (ضیغم الدوله، ۱۳۶۵: ص ۲۱۷) هر یک از این دو شاخه، به نوبه خود، از چند باب (بلوک) تشکیل شده و هر باب (باو)؛ از چند طایفه، هر طایفه؛ از چند تیره و هر تیره؛ از چند تش و هر تش؛ از چند اولاد و هر اولاد نیز؛ از چندین خانوار، (که کر بوو نیز خوانده می‌شود) تشکیل شده است. خانوار کوچک‌ترین بخش، در تقسیمات و ساختار اجتماعی ایل بختیاری محسوب می‌شود.

بختیاری‌ها خود معتقدند که نام بختیاری مشتق از کلمه بختیاروند است. بختیار یکی از بزرگان لر بزرگ بوده که اولادش گروه متشکلی به نام بختیاروند پدید آوردند. این طایفه ظاهراً همین بهداروند (ه م) کنونی، و یکی از طوایف بزرگ بختیاری فعلی است. (مینورسکی، ۱۳۶۲، ص ۳۶) تا اوایل سده ۹ ق / ۱۵ م نیز نامی از لر بختیاری در متون تاریخی و جغرافیایی دیده نمی‌شود. به اعتقاد فیلد (چون نویسندگان کهن و حتی یاقوت (د ۶۲۶ ق / ۱۲۲۸ م) نامی از بختیاری نبرده‌اند. آنها به احتمال قوی بعدها و شاید در زمان تیمور (د ۸۰۸ ق / ۱۴۰۵ م) در ایران پیدا شده‌اند.

معین الدین نطنزی در ۸۱۶ ق / ۱۴۱۳ م از ظهور طوایف بختیاری چون آسترکی، کوتوند، راکی، جانکی و زلکی در زمان هزارسف (د ۵۴۸ ق / ۱۱۵۳ م) سخن می‌گوید. (همان) و از این زمان به بعد نام بختیاری در متون می‌آید. بدلیسی و اسکندر بیک (اسکندر بیک، ج ۱، ص ۵۶۰) هر دو در سده ۱۱ ق / ۱۷ م از لرهای بختیاری سخن گفته‌اند.

نظامات ایل بختیاری عبارتند از:

- ۱- نظام خویشاوندی. خویشاوندان در موارد جنگ و ستیز به یاری یکدیگر می‌روند. (پیردیگار و کریمی، ۱۳۶، ج ۱، ص ۳۴)
- ۲- پیمان «خین چویی» یا «خینه چویی»؛ (خون چویی، اصطلاحی که برای پیمان پایدار به کار می‌رود)، که میان دو نفر یا دو گروه و بیش‌تر بسته می‌شود، تا همیشه در شرایط جنگ و ستیز پشتیبان تجمع یک خانوار گسترده در بهون (سیاه چادر)، این پیمان بیشتر تابع نظام خویشاوندی است. در ایل بختیاری همه خین چوی‌ها (هم پیمان‌ها) یکدیگر را می‌شناسند و در مواقع لزوم به یاری هم برمی‌خیزند. (همان)
- ۳- قانون کمک به کم زور. در صورت بروز جنگ بین دو گروه، اگر گروه سومی به کمک یکی از این دو گروه بیاید، گروه چهارم باید بدون توجه به علل و ریشه‌های این نزاع، به پشتیبانی از گروه کم زور وارد جنگ شود. با اینکه این قانون با نظام بخش‌بندی ایل چندان انطباقی ندارد، ولی ساختار ایلی ایجاب می‌کند که قانون کمک به کم زور بر نظام خویشاوندی و نظام خین چویی برتری داشته باشد. (همان)



۴- نظام بستگانی (وابسته یکی از خان‌ها بودن). در ۱۲۹۷ق / ۱۸۶۲م ناصرالدین شاه قاجار به علت نگرانی از قدرت حسینقلی خان ایلخانی، برادر او، امامقلی خان را با عنوان حاجی ایلخانی جانشین او کرد. او نیز برای دستیابی به قدرت، در هر طایفه و تیره‌ای به تعداد کلانتران و کدخدایان برادرش برای خود کلانتر و کدخدا انتخاب، و ابواب جمعی آنها را از بین همان طوایف و تیره‌ها تعیین کرد. این کار رقابتی شدید بین دو شاخه خویشاوندی خان‌های بزرگ به وجود آورد. از آن پس، فرزندان آنها نیز برای هر طایفه ۴ کلانتر تعیین می‌کردند که دو کلانتر با ایلخانی و دو کلانتر دیگر با حاجی ایلخانی مربوط بودند. عضویت در شاخه‌های ایلخانی و حاجی ایلخانی حالت موروثی داشت و غیرقابل تغییر بود.

۴- عرف و عادت‌های منجر به پیش‌گیری از جرائم در ایل بختیاری

عرف و عادت‌های مرسوم در ایل بختیاری که می‌توانند منجر به کاهش جرایم گردد عبارتند از:

۱-۴- خون بس

واژه ای که از ترکیب «خون» و «بس» تشکیل شده است. در لغت به معنای، قطع خون، کافی بودن خون و قطع جریان خونی است که راه افتاده است. (دهخدا، ۱۳۳۴، ج ۱۱: ۴) «بس» در فرهنگ معین، به معنی کافی است که الفاظ دیگرش «بسا» و «بسی» است. (معین، ۱۳۶۴، ج ۱: ۵۲۵)

اصطلاح منطقه صیدون نیز خین بس، (خین در زبان لری؛ یعنی خون) (ارشادی، ۱۳۸۸: ۳۶۳) مساوی با پایان نزاع و اصلاح روابط طوایف است. در فرهنگ عامیانه، برخی «خین بس» را سنتی پسندیده برای اهداف ایلی دانسته و گروهی هم آن را رسمی ناپسند می‌دانند؛ چراکه برخی از کنش‌گران آن؛ مانند زن مورد ظلم واقع شده و یا سبب شکل‌گیری برخی جبرهای اجتماعی می‌شود؛ مانند پرداخت مال توسط کسانی که مشارکت در نزاع نداشته‌اند یا ضمانت کردن برخی تندروی‌ها و رفتارهای افراط‌گرایانه برخاسته از تعصبات قومی.

واژگان خون صلح، خون بس و خیصل، تنها عباراتی متفاوت، در اشاره به یک سنت خاص و کاملاً مشابه هستند. به همین دلیل معنای لغوی این واژه را باید ذیل عنوان خون بس یا خون بست یافت. فرهنگ دهخدا خون بست را به فدیة قتل، خون بها، و دیه معنا کرده و برای خون بست کردن معنای ای چون خون بر کردن، قصاص قتلی را به ادای دیه بدل کردن، دیه قتل را گرفتن و از قصاص عفو کردن را برگزیده است. (دهخدا، ۱۹۳۰: ۱۲۰۲)

به هر ترتیب، وجه تسمیة خون بس احتمالاً، جلوگیری و بند آوردن خونریزی‌هایی است که معمولاً در مقام انتقام از سوی طرفین روی می‌دهد. اما خون صلح در اصطلاح پاسخی جامع به قتل از سوی جامعه محلی و در جهت ترمیم شکاف به وجود آمده است؛ به این شکل که در این سنت، طی مراسمی خاص، بزرگان و ریش سفیدان با به همراه داشتن کارد و قرآن، قاتل را دست بسته نزد خون‌داران حاضر کرده تا آنها قاتل را قصاص کنند یا به عظمت قرآن او را ببخشند.

هرگاه در اثر نزاعی که میان دو طایفه در می‌گیرد، قتلی واقع شود، خانواده‌ی قاتل مجبور می‌شود یکی از دختران خود یا طایفه را به عقد و ازدواج فردی از خانواده‌ی مقتول درآورد، تا از خون ریزی بیشتر جلوگیری شود. به این رسم "خون بس" می‌گویند. در فرهنگ بختیاری، هنگامی که در پی منازعات و مخاصمات، خونی ریخته شود، طایفه‌ی قاتل ملزم خواهد بود برای دیه، پول و یا معادل آن زمین و دام پرداخت کند که به آن «خون کالات» می‌گویند.



در اکثر موارد اما، برای رفع کدورت و ترک مخاصمه میان دو قوم، و ایجاد همبستگی بیشتر، دختری از طایفه قاتل به عقد و ازدواج پسری از طایفه مقتول در می‌آید. (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۱۴۷)

خون بس (xunbas) را فرهنگ دهخدا این‌گونه تعریف کرده است: خون بس بر آن چه که موجب بند آمدن خون از زخمی شود، فدیة قتل، خون بها، دیة خون بس کردن، از خون ریزی باز داشتن، قصاص قتلی را با اداء دیة بدل کردن، دیة قتل شدن، از قصاص عفو کردن. (دهخدا، ۱۳۳۴، ج ۲: ۱۱۴۷)

خون بس هنگامی است که قتلی واقع شده باشد و به وسیله کلانتران دو طایفه جلسه‌ای داشته باشند و خون را ببرند، یعنی خون بها را تعیین کنند و دختری هم از خانواده قاتل به مقتول بدهند. البته خون بها روی سرانه از طایفه قاتل جمع آوری می‌شود که حکم تعاون را دارد. (خسروی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰)

در اکثر ایلات، خون بس به معنی دادن دختر طایفه قاتل به خانواده مقتول است. اما معنی عام آن بستن خون و جلوگیری از ادامه خون ریزی است. در میان اعراب خوزستان «فصل» و در میان سایر ایلات نیز به معنی خون فصل، خون بست و خین بست هم آمده است. اما در این پژوهش و برای سهولت و جلوگیری از سردرگمی خواننده، از اصطلاح «خون بس» استفاده شده است. تنها در بررسی جامعه عشیره‌های عرب خوزستان به دلیل رواج اصطلاح «فصل»، از این اصطلاح استفاده شده است. خون بس، خون بر، خون و چوب، خون فصل و از این قبیل واژه‌ها و اصطلاحات در میان عشایر ایران و برخی کشورهای آفریقا و عشایر آسیایی همجوار ایران به مجموعه‌ای از رفتارهای منظم، سنجیده و معناداری اطلاق می‌شود که از تعامل سه گروه اجتماعی ذینفع، با هدف پایان دادن به اختلافات قومی و قبیله‌ای ایل تباران و یا دودمان‌های عشایری انجام می‌گیرند. این گروه‌ها عبارت‌اند از:

الف) کسان، طایفه، ایل و یا دودمان مقتول

ب) کسان، دودمان، طایفه یا ایل قاتل

ج) ریش سفیدان، سادات و بزرگان بی طرف (میانجی)

خون بس، کنش اجتماعی به هم پیوسته‌ای است که میان اعضاء سه گروه فوق صورت می‌گیرد، تا نهایتاً به سازش و توافق دست یابند. در این فراگرد اجتماعی، میانجی‌گری (یعنی کوشش برای نزدیک کردن دو سوی اختلاف) و خودمداری گروهی (به مفهوم توجه و اهمیت دادن به افراد خودی یا اعضاء گروه)، با رعایت آداب، سنت‌ها و عرف اجتماعی، و با تکیه بر میثاق‌های اجتماعی در قالب تشریفات، شعائر و سنت‌های معین و گاهی در حالتی از شور و انجذاب و تحریک عاطفی و همراه با هراس اجتماعی انجام می‌گیرد. آیین برگزاری خون بس، متضمن رفتارهای جمعی توأم با ابراز احساساتی مانند گریه کردن زنان و مردان متخاصم است، که به تغییرات درونی و ذهنی آن‌ها می‌انجامد و به خصوص موجب عقده‌گشایی و فروکش کردن کینه‌های درونی‌شان می‌شود. این تغییرات با آن چنان واکنش‌های روانی شدیدی همراه بوده که برخی اعتقاد داشتند که در مراسم خون بس، جنبه‌هایی از جادوگری وجود دارد.

به نظر می‌رسد که این سنت عرفی در طول زمان و همراه با زندگی اجتماعی مردم این مناطق شکل گرفته و سابقه ایجاد آن به نظام قبیله‌ای برمی‌گردد.



وجود خون بس یا خون فصل در میان عشایر لر، کرد، بلوچ، ترکمن، بختیاری، قشقایی، خراسانی، عرب و عشایر آذری و حتی به نوشته جلال آل احمد، عشایر عرب عراقی، اردنی، سوری و مراکشی هم قابل ردیابی است و دارای عناصر مشابه و مشترکی بوده است.

۲-۴- موارد اجرای مقررات خون بس در میان اقوام بختیاری

موارد اجرای مقررات خون بس در میان اقوام بختیاری حیطه‌های زیر را در بر می‌گرفته است:

۱-۲-۴- خون بهای قتل نفس عمد

به قتل‌هایی گفته می‌شود که بر اثر درگیری‌های قبیله‌ای به وجود می‌آید و قتل آگاهانه صورت می‌گیرد؛ هرچند در فرهنگ قومی، بسیاری از قتل‌های ناآگاهانه نیز به مثابه قتل عمد محاسبه شده و جبران خسارت همچون قتل آگاهانه پرداخت می‌شود. این وضعیت، بدان سبب است که قوم، یکپارچه قلمداد می‌شود و تفاوتی بین افراد یک قوم در ارتکاب عملی مانند قتل و یا خسارت وجود ندارد. (عبدی، ۱۳۶۷: ۶۰) درگیری‌های قومی، ممکن است ناشی از اختلافات و درگیری دو نفر باشد و همان دو نفر نیز شروع کننده دعوا باشند و ممکن است به دلایل قومی، به صورت همگانی و اعلان عمومی آغاز شود. در هر دو صورت، خسارت به وجود آمده بر عهده کل قوم است. این نوع قتل‌ها، عمدتاً در روستاها و مناطق عشایری با بافت قبیله‌ای اتفاق می‌افتد؛ گرچه در سالیان اخیر قتل کمتر شده، اما زمینه‌ها همچنان هموار است؛ چنان که در سال ۹۴ و ۹۵ طی درگیری قومی در یکی از مناطق لر نشین، بیش از ۱۵ نفر کشته شده و خسارات زیاد دیگری به خانواده‌ها و منطقه تحمیل شده است. مسلح بودن مستمر مردم منطقه به سلاح گرم و تعصبات قومی همواره موجب شکل‌گیری درگیری‌هایی توأم با اعمال خشونت فراوان و کشته یا زخمی شدن جمعی از افراد بوده است.

قتل نفس، عملی است که حداقل تا این برهه‌ی زمانی در بسیاری از جوامع وجود داشته است و معمولاً برخی از انواع آن، از جمله قتل‌هایی که با صفت عمد توصیف می‌شده‌اند، مذموم، و نسبت به شرایط زمانی و مکانی گناه، گناه کبیره، جرم و ... تلقی می‌شده است و مرتکب به قتل نیز، به اشد مجازات محکوم می‌شده است. در عین حال برخی انواع قتل نفس، حتی از نوع عمد آن، در پاره‌ای موارد، از طرف جامعه و جریان حاکم قدرت، نادیده گرفته می‌شده است، مانند کشتن دختران در عهدی که به عهد جاهلیت مشهور است. در مقایسه با قتل، رفتارهایی مانند سوء استفاده‌ی جنسی، با سخت‌گیری‌های کمتری مواجه می‌شده است و میزان مجازات تعیین شده برای آن از تنوع بیشتری برخوردار بوده است؛ وضعی که کماکان وجود دارد. در شرایط حاضر نیز سوء رفتارهای جنسی در کشوری جرم است و حال آن‌که در کشور دیگر اگر مشروع هم نباشد، برخورد تنیدی با آن صورت نمی‌گیرد، در حالی که قتل نفس در همه‌ی کشورها جرم و تنها اختلاف، احتمالاً در میزان مجازات مجرم است. (عبدی، ۱۳۶۷: ۴۳)

حدود ده درصد قتل‌هایی که به وقوع می‌پیوندد، ناشی از اختلافات قومی و قبیله‌ای است که با کوچک‌ترین جرقه، آتش این اختلافات بر افروخته شده و در مواردی منجر به قتل بیشتر از یک نفر می‌شود. درگیری‌های ناشی از این اختلافات ممکن است از درگیری دو کودک و یا دو جوان شروع شود و در نهایت منجر به قتل گردد. این نوع قتل‌ها عمدتاً در روستاها و مناطق عشایری اتفاق می‌افتد. از آنجا که در این محیط‌ها اسلحه گرم و دیگر وسایل قتاله یافت می‌شود، لذا درگیری‌ها توأم با اعمال خشونت فراوان و با تعدادی کشته و زخمی همراه است. در بعضی از روستاها اختلافات سال‌های زیادی ادامه داشته و دارد. (همان)



پدیده خون بس در واقع، پایانی هرچند موقت بر این درگیری‌ها است؛ در این رسم، دیه قتل، تعیین و می‌بایست به طایفه مقتول پرداخت شود. از جمله مفاد قرارداد خون بس، در مسائلی مانند قتل، آن است که یکی از دختران طایفه قاتل، به ازدواج یکی از افراد خانواده مقتول درآید. چنان که یکی از این گونه دختران می‌گوید:

از ابتدا نامزد پسر عمویم بودم تا اینکه شش ماهه شدم و از قضا، درگیری شدیدی میان طایفه ما و طایفه دیگری رخ داد و یکی از افراد طایفه مقابل، کشته شد. آن‌ها پدرم را به عنوان قاتل معرفی کردند. بعد از جلسات محلی فراوان، دو طایفه تصمیم به صلح و سازش گرفتند و در نهایت جلسه خون بُری برگزار شد. در جلسه، طایفه مقتول بهانه گرفتند که حتماً یک دختر می‌خواهیم و چنین شد که من را انتخاب و علی‌رغم نامزدبودن با پسرعمو، صاحب نامزد جدیدی شدم. بر اساس تصمیم جلسه، کاغذی نوشتند و تحویل آن‌ها شد؛ اما بعد از این جلسه هم، رفت و آمد بین دو طایفه به حالت عادی برنگشت و سال‌ها با یکدیگر ارتباط نداشتند تا این که من بزرگ‌تر (شانزده ساله) شدم و خانواده مقتول پی‌گیر مطالبه اجرای مفاد قرارداد خون بس شد و از من به‌طور رسمی خواستگاری کردند، اما مادرم راضی نبود و مدام اشک می‌ریخت و مانع انجام کار و پاسخ مثبت می‌شد تا این که چندسال بعد که مادرم از دنیا رفت، دوباره پی‌گیر شدند و بالاخره این ازدواج بعد از کشمکش‌های فراوان انجام گرفت.

در میان عشایر بختیاری، مقررات خون بس در گذشته و تا حدودی در حال حاضر بر اساس دادن زن به عنوان دیه در کنار دیگر انواع تاوان بوده است. در رسم خون بُری، یک زن به عنوان خون بست (خون بس) به خانواده‌ی مقتول داده می‌شود. در صورتی که در میان اعراب خوزستان، برای دیه، چهار زن داده می‌شود، که یکی به خانواده‌ی مقتول و سه تای دیگر به بقیه‌ی قبیله تعلق می‌گیرد، ولی در میان عشایر بختیاری به ازای هر مقتول یک زن، به‌علاوه موارد دیگری از قبیل پول و زمین نیز پرداخت می‌گردد.

۲-۲-۴- خون بهای قتل نفس غیر عمد

در این نوع خون بُری، دادن زن به عنوان خون بها مرسوم نیست و بیشتر دیه، به صورت پول نقد یا زمین زراعی رایج است، هرچند دادن زن برای قتل غیر عمد امر بی سابقه‌ای نیست.

قتل غیرعمد، کشته شدن فردی به طور اتفاقی است که به عنوان میانجی در جنگ حضور داشته و یا درگیری خاصی شکل نگرفته، بلکه بر اثر تصادف یا مشارکت در کاری، فردی کشته می‌شود. در مواردی مشاهده شده که فرد به سبب درمان دندان خود، مراجعه کرده و بعد از کشیدن دندان، فوت کرده، اما طایفه او، وی را یک مقتول به حساب آورده و از طبیب محلی یا ضارب دندان، طلب خسارت کرده‌اند و خون بس درباره او نیز جاری شده یا اگر فردی از طرفین در نزاعات سالیان گذشته، زخم عمیق برداشته و پس از مدتی فوت می‌کند نیز پدیده خون بس اجرا شده است؛ چنان که خانم ۵۰ ساله‌ای که به دلیل قتل غیرعمد و به عنوان بخشی از اجرای توافق‌نامه خون بس ازدواج کرده بود، ماجرا را چنین تعریف می‌کند:

سیزده ساله بودم که مادرم فوت کرده بود. طایفه ما به خاطر کمبود آب برای کشاورزی همواره با طایفه دیگری مشکل داشت و گاهی نزاع می‌شد. بالاخره یک روز که درگیری شدت گرفت، برادرم، ضربه‌ای به گردن و دندان‌های پدرشوهر فعلی‌ام زد و او بعد از چندماه فوت کرد. بعد از فوت ایشان، همواره میان دو طایفه اختلاف بود و به اموال یکدیگر آسیب می‌زدند. در



ادامه همین درگیری‌ها، پدرم هم تیر خورد. در این میان، فردی از طایفه دیگری که به عنوان میانجی و واسطه آمده بود تا این جنگ را خاتمه بدهد؛ زخمی شد و بعد از گذشت زمانی، او نیز فوت کرد.

مدتی گذشت تا این که برخی از بزرگان، خوانین و کدخداهای ایلات همسایه واسطه شدند تا اختلاف را پایان داده و صلح برقرار نمایند. بعد از رایزنی زیاد، دو طایفه تصمیم به سازش و اجرای خون بس گرفتند. در جلسه خون بری، مقرر شد تا دو طایفه درگیر در جنگ، با همکاری یکدیگر، دیه فرد کشته شده را پرداخت کنند. من بخشی از آن دیه هستم؛ چرا که، دیه مقتول (پدرشوهر فعلی‌ام)، چهار هکتار زمین، یک دختر، یک تفنگ، چند رأس گوسفند و مقداری پول برای مراسم فاتحه‌خوانی بود. این طور شد که من عروس خون بس شدم و هیچ اختیاری در انتخاب زندگی آینده‌ام نداشتم.

۳-۲-۴- خون بهای هتک ناموس

خون بهای هتک ناموس به دو صورت است:

الف: ربودن دختر و ازدواج با وی بر خلاف تمایل خانواده‌اش: گاهی پیش می‌آید که پسری به خواستگاری دختری می‌رود و با وجود موافقت دختر، با پاسخ منفی خانواده‌ی دختر روبرو می‌شود، در این صورت، اگر تسلیم پاسخ منفی شود که مسأله‌ای به وجود نمی‌آید و اکثراً هم چنین است. ولی گاهی پیش می‌آید که پسر تصمیم به ربودن دختر مورد علاقه‌اش می‌گیرد، که این مسأله در میان عشایر خون بری دارد و باید خون بها پرداخت گردد و چه بسا که جنگ و خون‌ریزی شدیدی نیز در پی خواهد داشت. این موارد از طریق ریش‌سفیدان و گاهی از طریق قانون حل و فصل می‌گردد که البته اصل واقعه نادر است.

ب: خون بهای تجاوز به زن شوهر دار و یا به اصطلاح فقهی زناى محصنه: این مورد کمی شایع‌تر از موارد قبلی است و در این مورد نیز خون بها داده می‌شود و اغلب اگر به خون ریزی نینجامد، باعث طلاق زن می‌شود. در میان اعراب خوزستان دو دختر به عنوان فصل، به شوهر زن و خانواده‌ی زن داده می‌شود. ولی در میان عشایر بختیاری زنی رد و بدل نمی‌شود؛ تنها خون بها داده می‌شود و خون بهای این موارد بیشتر به صورت پول است نه دختر.

۳-۴- بیوهی برادر را به زنی خواستن

نمونه‌های فراوانی هم اکنون از ازدواج‌های میان همسر مرد متوفی با برادر یا برادرزاده‌های متوفی به وقوع می‌پیوندد، به ویژه این که بیوهی برادر، فرزند یا فرزندان نیز داشته باشد. به رسم دیرینه ازدواج مجدد عروس خانواده‌ی بعد از فوت همسر اول با فردی بیگانه، برای خانوادگی همسر اول عیب و سرشکستگی دانسته می‌شد. به همین دلیل رسم بوده است که همسر مرد متوفی در خانواده‌ی پدری همسر اول بماند و با یکی از برادران یا وابستگان مجرد و نزدیک همسر اول ازدواج نماید و در صورت نبود فرد مجرد، حتی به ازدواج فردی متأهل از خانواده‌ی همسر اول درآورده می‌شد. (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۷۸)

«یکی از رسومات باستانی که در بختیاری پایدار مانده، ازدواج زن شوهرمرده با برادرشوهر است. گاهی پس از مرگ مردی که دارای زن و فرزند بوده، به خاطر حفظ و پرورش فرزندان و یا دارایی او، همسر مرده را به برادر یا برادرزاده‌ی او می‌دادند.» (حیدری نوروزی، ۱۳۹۴: ۲۱۰)

۴-۴- ازدواج‌های فامیلی و گا به گا

به‌طور کلی در میان اقوام لر و بختیاری احساسات دوستانه شدیدی وجود دارد و روابط خویشاوندی را نیز ارج می‌نهند. (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۲۵) بخش عمده‌ای از این خویشاوندی، برای حفظ انسجام قومی است؛ چنان که شرایط



ازدواج‌های درون قومی با برون قومی متفاوت است. همین ارتباطات، باعث شده تا اگر احیاناً اختلافی بین دو طایفه به وجود بیاید، طوایف دیگر برای حل آن مشکل، واسطه‌گری کنند و میان دو قبیله که درگیر هستند، سازش ایجاد می‌کنند. همه این تعاملات، ناشی از احساس همبستگی اجتماعی است که درون خانواده‌های ایلی نیز نهادینه شده است؛ چنان که امیل دورکیم انسان‌شناس و جامعه‌شناس فرانسوی، همبستگی اجتماعی را نوعی پیوند و رابطه‌ای می‌داند که از وجدان جمعی ناشی می‌شود. (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

ازدواج «گا به گا» نوع دیگری از ازدواج است که در میان ایل بختیاری وجود داشته است. هر گاه در میان دو خانواده؛ دختر و پسر مجرد و جوانی وجود داشته باشد، بنا به تمایل طرفین هر یک از برادران، خواهر خود را به ازدواج طرف مقابل در می‌آورد؛ یعنی بین دو خانواده، پسرهای این دو خانواده با دخترهای طرف مقابل ازدواج می‌کنند که به این نوع وصلت، ازدواج «گا به گا» می‌گویند. چنین ازدواجی مشکلات کمتری را در پی داشته؛ زیرا ضمانت تأمین سلامت هر یک از خانواده‌ها در سلامت پیوند طرف مقابل گره خورده است و کمتر اتفاق می‌افتد که بین چنین خانواده‌هایی برخورد جدی روی دهد؛ زیرا در هرگونه برخوردی، خواهر شخص بوجود آورنده‌ی تنش که زن طرف مقابل است، می‌داند که چنین برخوردی را در پیش روی خواهد داشت. بنابراین علاوه بر علاقه‌ی شخصی، انگیزه‌ی یاد شده نیز تأثیر به‌سزایی در آرامش زندگی این زوجها داشته است. (مظفریان، ۱۳۹۱: ۷۸)

۵- کارکردهای عرف و عادت از منظر جامعه و نظام کیفری

کارکردهای عرف و عادت از دیدگاه جامعه و نظام کیفری نیز عبارتند از:

۱-۵- پیش‌گیری از جرم از طریق ترمیم شکاف موجود

در میان همه جوامع بشری قتل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین جرم نزد آنان است. این حساسیت در جوامعی که دارای ساختار ایلی و عشایری هستند، به‌خصوص اگر مقتول بی‌گناه کشته شود، بیشتر است. وقتی قتلی رخ می‌دهد، با توجه به درجه قرابت قاتل و مقتول از نظر نسبی و سببی حساسیت فراوانی ایجاد می‌شود. این درجه قرابت بین قاتل و مقتول هر قدر بیشتر باشد سبب بروز اختلافات گسترده‌تری می‌شود. در این شرایط، دو قبیله یا طایفه، تا مرز درگیری و کشتن اعضای یکدیگر پیش می‌روند. در چنین اوضاع و احوالی معمولاً اقوام مقتول در اثر هیجان ناشی از مشاهده مقتول که بر اثر ضربه یا ضربات قاتل به قتل رسیده، سعی در انتقام سریع از قاتل یا یکی از کسان او دارند. به عنوان تأییدی بر مطالب فوق در ذیل به ذکر یک نمونه عینی از اجرای عدالت خصوصی اشاره می‌شود. در شهریور ۱۳۹۲ بین دو نفر در کرمانشاه بر سر مسائل مالی اختلافی به وجود آمد. با بالا گرفتن اختلافات، یکی از طرفین با شلیک گلوله طرف دیگر را به قتل می‌رساند. با توجه به اینکه طرفین اصالتاً متعلق به دو روستای متفاوت بودند و نیز آگاهی از عواقب قتل، قاتل خود را به مقامات رسمی معرفی می‌نماید. اما اقوام مقتول به این امر راضی نبوده و چاره کار را در انتقام از خانواده قاتل می‌بینند. در حالی که تنها چند روزی از قتل گذشته بود، آنها به مغازه برادر قاتل رفته و پس از اقدام به ربودن، در محل دیگری او را به قتل می‌رسانند. نهایتاً ریش سفیدان برای پیش‌گیری از ارتکاب جرایم بیشتر در آینده، چاره کار را اجرای خون صلح دانسته و پس از گذشت چهل روز از قتل و طی مراحل اولیه جلب رضایت طرفین، مراسم خون صلح اجرا شد. ذکر مواردی از این دست، بیانگر



روحیه انتقام‌جویی و دیگر ویژگی‌های جوامع سنتی در برخی مناطق استان کرمانشاه است و این که هنوز، خون صلح، می‌تواند به عنوان روشی مناسب جهت ترمیم اختلافات به کار برده شود.

بنابراین، آیین اجرای خون صلح با مشارکت دادن همه افراد جامعه از جمله ریش سفیدان، خانواده و اقوام مقتول و قاتل و اقدام او سعی در پیش‌گیری از این نتایج زاینبار دارد. به ویژه این که نتایج زاینبار در این نقطه ختم نمی‌شود، چه پس از انتقام خانواده مقتول، احتمال وقوع جرم از سوی قاتل و اقوام او نیز در پاسخ به این اقدامات وجود دارد. نتیجه این وضعیت تبدیل جامعه به بستری برای ارتکاب انواع جرایم توسط دو گروه علیه یکدیگر می‌شود که در این رهگذر خون صلح به ویژه با التیام لطمات روحی اولیای دم و ترمیم و احیای روابط اجتماعی از هم گسیخته جامعه در تلاش برای آرام کردن فضای متشنج موجود است.

شرمساری قاتل و پذیرش آگاهانه مسؤولیت توسط او، جبران لطمات و پرداخت خسارات از سوی قاتل، شرکت اختیاری افراد، مشارکت ریش سفیدان صاحب نفوذ و احترام و ... همگی عواملی هستند که موجب ترمیم گسست موجود و احیای روابط افراد می‌شوند و نتیجه همه این عوامل و قابلیت‌های موجود در خون صلح، پیش‌گیری از وقوع جرم در آینده است.

۲-۵- مشارکت جامعه محلی و بازپذیری بزه کار از سوی جامعه

با وقوع جرم، آثار نامطلوب و خسارت‌های مادی، معنوی، روانی و عاطفی آن نه تنها بزه دیده که جامعه محلی را نیز دست‌خوش التهاب و ناآرامی می‌کند. بنابراین، در انتخاب یک روش کارآمد برای پاسخ به جرم شایسته است نیازهای جامعه محلی را نیز با مشارکت دادن نمایندگان آن در نظر گرفت.

خون صلح علاوه بر دو طرف دعوا، با مشارکت دادن ریش سفیدان و حضور دیگر اعضای جامعه و گرد هم آوردن آنها در یک محیط مناسب به بهترین شکل از تمام ظرفیت‌های موجود در جهت پیوند روابط اجتماعی از هم گسیخته افراد استفاده می‌کند. مشارکت ریش سفیدان باتجربه و صاحب نفوذ به عنوان نماینده جامعه محلی سبب می‌شود شیوه مناسبی در هر مورد برای فصل اختلافات اندیشیده شود و اجرای توافقات تضمین شود.

بنابراین، خون صلح علاوه بر این که اختلافات طرفین دعوا را خاتمه می‌دهد، و به عبارتی اولین کسانی که از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند خود طرفین هستند، جامعه محلی را نیز منتفع می‌سازد. به این صورت که با کمک به فرآیند جامعه‌پذیری بزه‌کار و بزه‌دیده و با فصل خصومت بین آنها، جامعه نظم از دست رفته خود را بازیافته و آرامش و امنیت، در میان اعضای جامعه به نحو مطلوب‌تری برقرار می‌شود. به این ترتیب، با مهار قدرت ویرانگر بزه کاری، راه برای فعالیت‌های مولد اجتماعی در جامعه هموارتر می‌شود. (عباسی، ۱۳۸۲: ۱۰۴)

۳-۵- کاهش هزینه‌های دادرسی و مجازات

علاوه بر کارکردهای ذکر شده، خون صلح برای نظام کیفری کارکرد دیگری هم دارد. هر چند با رضایت و اجرای خون صلح رسیدگی به جنبه عمومی قتل ادامه می‌یابد، اما با توجه به پذیرش جرم از سوی قاتل و مشخص نمودن میزان خسارات، نحوه جبران و دیگر موضوعات مرتبط، روند دادرسی کوتاه‌تر و تعداد جلسات آن کمتر می‌شود. نتیجه این امر از منظر اقتصادی کاهش هزینه‌های دادرسی خواهد بود. قاضی نیز در تعیین میزان مجازات تعزیری همه مسائل موجود در خون صلح را در نظر گرفته و با توجه به اخذ رضایت اولیای دم به مجازات کمتری حکم می‌دهد.



بنابراین، با پذیرش قاتل از سوی جامعه در نتیجه خون صلح، وی به دامان جامعه باز می‌گردد و در فعالیتهای اقتصادی مشارکت می‌کند.

نتیجه‌گیری

در نظام عشیره‌ای، هر فرد علاوه بر هویت فردی، دارای یک هویت جمعی است که باید متعهد به رعایت آداب و محدودیت‌های آن هویت جمعی (قومی) باشد. در این‌گونه جوامع، انسجام و همبستگی وجود دارد و ارتکاب جرم نسبت به یک نفر، تجاوز و توهین به تمام افراد آن جامعه به شمار می‌آید؛ هم‌چنین، بدهی سنگین یک نفر، بدهی همه طایفه محسوب می‌شود؛ بنابراین، همه افراد ایل باید در پرداخت بدهی‌های منسوب به ایل مشارکت داشته باشند. از این رو؛ عرف و رسومی در بین طوایف بختیاری وجود دارد که باعث صلح و پیش‌گیری از جرایم بیشتر می‌گردد. (مانند خون بس، ازدواج خویشاوندی و...)...

هر چند پیامد اصلی اجرای خون صلح، رهایی قاتل از قصاص است، اما این آیین در کنار توجه به قاتل، نیازهای بزه‌دیدگان و جامعه را نیز مورد لحاظ قرار می‌دهد. دریافت خون بها، تأکید بر حق اولیای دم برای اجرای قصاص، نقل داستان بزه‌دیدگی سایرین و نحوه‌ی اجرای مراسم خون صلح، همگی مؤید بزه‌دیده محور بودن این مراسم است. جامعه نیز که با وقوع قتل دچار التهاب شده و هر لحظه در آن بیم وقوع جرمی دیگر می‌رود، در این شرایط نیازمند آرامش است که خون صلح با جبران خسارات اولیای دم و ترمیم و احیای روابط اجتماعی فضای متشنج موجود را بهبود می‌بخشد.



منابع و مآخذ:

- ارجمندی، غلامرضا و ابوالقاسم نوروزی (۱۳۸۹) «حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری؛ شهرستان ایذه و رسم خون‌بری یا خون‌بس». تهران: مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ش ۱.
- ارشادی فارسانی و محمد عیدی (۱۳۸۸)، فرهنگ بختیاری، تهران: نشر آرون.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۳)، خوزستان و تمدن دیرینه آن، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ اسلامی.
- ، ایرج (۱۳۷۳)، نگاهی به خوزستان، تهران: نشر هنر.
- پیر دیگار، ژان و کریمی، اصغر (۱۳۶۸)، «عملکرد ساختار انشعابی و ساختار قدرت در جامعه ایلی و کوچ نشین بختیاری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، تهران: س ۱، ش ۱.
- حیدری نوروزی، عباس (۱۳۹۴)، کهن آیین‌های بختیاری، یزد: انتشارات سیدعلی زاده.
- خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۳)، فرهنگ بختیاری، تهران: فرهنگسرا.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴)، لغت نامه، زیر نظر: دکتر معین، تهران: دانشگاه تهران، صحافی سیدین.
- (۱۳۹۰)، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ضیغم الدوله، اسکندر خان (۱۳۶۵)، تاریخ ایل بختیاری، تهران: انتشارات یساولی.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، میانجی‌گری کیفی، تهران: انتشارات دانشور.
- عبدی، عباس (۱۳۶۷)، مسایل اجتماعی قتل در ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، تاریخ نظریات و اندیشه انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- کریمی، اصغر (۱۳۶۸)، سفر به دیار بختیاری، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- مظفریان، فرزانه (۱۳۹۱)، اسطوره و قصه‌های عامیانه، دو ماهنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی.
- معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکبن روز، الیزابت (۱۳۷۳)، با من به سرزمین بختیاری بیایید، ترجمه: مه‌راب امیری، تهران: نشر آنزان.



The role of custom and habit in preventing crimes among the Bakhtiari tribe

Abstract

In the past, when there was no law or precise framework for punishing criminals, each group and tribe would regulate punishment according to its culture to punish the offender for his actions. There was also a culture among Iranian tribes. In some regions, even though other countries have specific laws for punishing individuals, tribes still follow their own unwritten laws. In some parts of Iran, the situation is so serious that even the police cannot intervene. Among them, the Bakhtiari tribe is one of the large tribes that still resolves its problems with customs and habits in some cases. The purpose of this study is to examine customs and habits in preventing crimes in the Bakhtiari tribe. The findings of this study show that in tribes such as the Bakhtiari tribe, when a murder occurs, people are divided into two groups: the perpetrator and the victim. The consequence of this gap in society is the occurrence and continuation of various crimes by these two groups against each other. In such circumstances, custom and habit can prevent crimes and end conflicts.

Keywords: custom, habit, bloodshed, white beard.